

DOR: 20.1001.1.26455714.1402.7.1.1.5

The historical conceptualization of deliberation in the interpretations of Fariqin

(Received: 2022-05-17 Accepted: 2022-08-27)

Mohammad Sobhani Yamchi¹, Hamid Nosrati²

Abstract

According to Quran one of the Islamic Prophet's responsibilities is recitation and teaching of the Holy Book and teaching theosophy. The purpose of the revelation of the Quran is to explain its signs. Some verses of the Quran invite people to contemplate Quranic verses and also condemn those who do not have a contemplation viewpoint to verses of the Quran. Philologists believe that the term » contemplation « has a different meaning. Therefore there are various interpretations of contemplation verses. This research tries to examine contemplation's semantic's evolution among Shia and Sunni interpretations with descriptive and analytical methods as well as by historical approach. This article has been attempted by library instruments to ascertain the meaning of contemplation from the beginning of Islam till now among Islamic commentators. Scholars of Islam had given 16 meanings for the term » contemplation:« hearing, Paying attention, thinking, Paying attention and examination of thing's consequence, deep looking, contemplation, intuition, cogitation, comprehension, verses relationship together, comprehension of verses successively, insight, checking of Quran's concepts, thinking and idea and Pay attention to eloquence. However, these concepts had been changed for centuries but they correlate together. If someone wants to listen to divine speech and thinks about it without any presupposition he can understand the consequence of divine speech and the main goal of chapters and verses of the Quran to be guided.

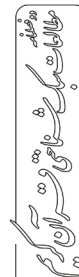
Keywords: contemplation, understanding of the Qur'an, historical conceptualization, foreign interpretations.

1) Assistant Professor of the Department of Qur'anic Interpretation and Sciences of the Holy Quranic Sciences and Education University, Maragheh, Iran. (The Corresponding Author) Email: sobhani@quran.ac.ir

2) Senior expert in Qur'anic and Hadith sciences, Allameh Tabatabai University. Email: hamidnosrati67@yahoo.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



سال هفتم
شماره اول
پیاپی: ۱۲
بهار و تابستان
۱۴۰۲



مقاله علمی - پژوهشی، صص ۹۰-۱۱۴

DOR: 20.1001.1.26455714.1402.7.1.1.5

مفهوم‌شناسی تاریخی تدریس در تفاسیر فریقین

(تاریخ دریافت ۲۷-۰۲-۱۴۰۱ تاریخ پذیرش: ۰۵-۰۶-۱۴۰۱)

محمد سبحان یامچی^۱، حمید نصرتی^۲

چکیده

قرآن کریم یکی از وظایف پیامبر اکرم(ص) را تلاوت و تعلیم کتاب و حکمت و هدف از نزول آن را تبیین آیات می‌داند. در برخی آیات ضمن دعوت به تدریس در قرآن، از اینکه عده‌ای نگاه تدریسی به آیات ندارند، مورد مذمت و توبیخ واقع شده‌اند. با توجه به تعدد معانی تدریس در نگاه لغت دانان، همین اختلاف در نگاه مفسران به آیات تدریس نیز دیده می‌شود. پژوهش حاضر به منظور بررسی و تحلیل تطور معنایی تدریس در تفاسیر فریقین برآن است تا با روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد تاریخی با ابزار کتابخانه‌ای بسیاری از تفاسیر فریقین از صدر اسلام یعنی قرن اول تا عصر حاضر را بررسی کرده تا مشخص کند برداشت مفسران از کلمه تدریس همان معنای لغویون بوده و یا غیر آن مراد است و اینکه تدریس در تفاسیر شیعه و اهل سنت چه تطور معنایی داشته است. با عنایت به ارزیابی دیدگاه مفسران در معنای تدریس از قرن دو تاکنون شانزده معنی برای تدریس ارائه شده است که عبارتند از: ۱. استماع ۲. توجه ۳. تفکر ۴. توجه و بررسی عاقبت و نتیجه امور ۵. ژرف‌نگری ۶. غور ۷. مکاشفه ۸. تأمل ۹. تفهیم ۱۰. ارتباط آیات با یکدیگر ۱۱. پشت سر هم فهمیدن آیات ۱۲. بصیرت و بینش عمیق ۱۳. بررسی و وارسی در معانی و مفاهیم قرآن ۱۴. به دیده دل نظر کردن ۱۵. فکر و نظر ۱۶. توجه به بلاغت. اگرچه مفاهیم ارائه شده از تدریس در قرآن طی زمان‌های گذشته (از عصر نزول تاکنون) دچار تغییراتی شده، اما می‌توان برداشت کرد که این مفاهیم با همدیگر تناسب و ارتباط دارند. چنانچه هر کسی که کلام الهی را بشنود و این شنیدن همراه با نگرش قلبی و با تأمل و ژرف‌نگری و به دور از پیش فرض‌های ذهنی باشد، می‌تواند به عاقبت و نتیجه کلام الهی و غرض اصلی آیات و سوره‌های قرآن دست یابد و هدایت شود.

واژگان کلیدی: تدریس، فهم قرآن، مفهوم‌شناسی تاریخی، تفاسیر فریقین.

سال هفتم

شماره اول

پیاپی: ۱۲

بهار و تابستان

۱۴۰۲

(۱) استادیار علوم قرآن و تفسیر دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم دانشکده علوم قرآنی مراغه، مراغه، ایران (نویسنده مسئول) ایمیل: sobhani@quran.ac.ir

(۲) دانش‌آموخته کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. ایمیل: hamidnosrati67@yahoo.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

۱. مقدمه

صاحب نظران حوزه فهم قرآن معتقدند برای درک بهتر آموزه‌های قرآن، عبرت‌پذیری از آیات الهی و در نتیجه رسیدن به هدایت که هدف غایی قرآن است، نیازمند تدبیر در آیات قرآن هستیم. چیزی که خود قرآن نیز به آن اشاره داشته است. ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (ص/۲۹)؛ «[این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا در [باره] آیات آن بیندیشند و خردمندان پندگیرند.» این آیه شرط استفاده از خیرات و برکات قرآن، پیدا کردن مسیر درست زندگی و هدایت را در سایه تدبیر در آیات و کاربست آموزه‌های آن در زندگی می‌داند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۰۰/۱۷) گرچه محققان در قرون اولیه جهت فهم قرآن تلاش‌های بسیاری انجام داده و تألیفاتی داشته‌اند، اما همت بیشتر آن‌ها توجه به تفسیر سنتی بوده است. طی این قرون عده‌ای از مفسران با انتقاد از روش سنتی تفسیر، به دنبال یافتن راه جدیدی برای فهم قرآن بوده‌اند؛ با این حال تفسیر اشرف علی ثنوی، حمیدالدین فراهی، امین احسن اصلاحی، محمد عزت دروزه، سید قطب و علامه طباطبائی، نگاه به قرآن عوض شد و رویکرد خطی جزئی‌نگر به رویکرد نظام‌وار کلی‌نگر تغییر کرد (ر.ک: میر، ۱۳۸۷: ۱۵ و ۲۶) و مفسران بیش از گذشته و به طور جدی‌تر به دنبال یافتن غرض سوره بوده و در این چارچوب آیات الهی را تفسیر و تفهیم کردند.

واژه «دبر» با مشتقاتش ۴۴ مرتبه در قرآن بکار رفته است. در برخی سوره‌ها، قرآن کریم ضمن دعوت به تدبیر در آیات، آنان را که در قرآن تدبیر نمی‌کنند، مذمت کرده و به نوعی آنها را توبیخ می‌کند که ﴿أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء/۸۲)؛ «آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند اگر از جانب غیر خدا بود قطعا در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.» ﴿أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالِهَا﴾ (محمد/۲۴)؛ «آیا آن‌ها در قرآن تدبیر نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است.» بی شک تلاوت سطحی آیات قرآن کریم با تلاوت و قرائت متدبرانه در آیات تفاوت اساسی دارد. آنچه از انسان‌ها انتظار می‌رود، تلاوت نوع دوم است که آیات قرآن به نوعی همگان را به آن فراخوانده است. اینکه مراد از تدبیر چیست و این واژه در لغت به چه معناست، بین لغویون بحث است. همچنان‌که در بین مفسران نیز در معنای این واژه و اینکه مراد الهی در آیات تدبیر سوره‌های «نساء، محمد، ص و...» چیست، اختلاف هست. آنچه مسلم است، آن است که در بررسی تفسیر این واژه در سور قرآن کریم در بین مفسران وحدت نظر دیده نمی‌شود. مفسران در سده‌های مختلف معنایی برای این واژه بیان کرده‌اند که آن معنا در قرون متمادی یا به نوعی تکرار شده و یا مفسران برداشت دیگری از آن داشته‌اند. اینکه مراد از تدبیر در قرآن چیست؟ آیا مراد الهی از تدبیر همان معنای استعمالی است یا متضمن معنای دیگری است، و اینکه در بین مفسرین این واژه دچار تطور معنایی شده یا نه و در قرون متمادی مفسران چه برداشتی

از واژه تدبیر داشتند؟ پژوهش حاضر در پی آن است تا به سوالات بیان شده پاسخ داده و ارتباط بین معانی مختلف را ذکر کند. در این مقاله که با ابزار کتابخانه‌ای سامان یافته است، سعی شده به روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد تاریخی برخی از آیاتی که واژه تدبیر در آن بکار رفته مورد بررسی قرار گیرد و مشخص شود که آیا معنای لغوی تدبیر در بین مفسران رواج داشته و یا اینکه در هر عصری مفسران معنای متفاوتی از آن ارائه کرده‌اند.

پیرامون بحث تدبیر در قرآن تألیفاتی توسط اندیشمندان علوم قرآنی صورت گرفته که به عنوان نمونه می‌توان به کتاب «پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن» نوشته ولی الله نقی‌پور اشاره کرد؛ عمده بحث‌های این کتاب مطالبی است که مؤلف در کلاس درس به عنوان مقدماتی بر تفسیر ارائه کرده است. همچنین مقالات «تدبیر در فهم قرآن» نوشته روح‌الله محمد علی نژاد عمران (سراج منیر، پاییز ۱۳۹۴) که به بیان مقدمات تدبیر، روش‌های تدبیر و مفاهیم تدبیر پرداخته، «بازشناسی مفهوم تدبیر در قرآن» نوشته سکینه آل حبیب (بینات، پاییز ۱۳۹۰)، «حوزه معنایی تدبیر در قرآن کریم» نوشته سید مهدی لطفی و محمدرضا ستوده نیا (پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، «معناشناسی تدبیر در قرآن کریم» با تکیه بر روابط همنشینی و جانیشینی نوشته محسن قاسم‌پور و مرتضی سلمان نژاد (مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، و مقاله «مفهوم التدبیر فی القرآن الکریم» نوشته الشیخ ارکان الخزعلی (نورالتنزیل، شعبان ۱۴۴۰) اشاره کرد. وجه تمایز نوشتار با پژوهش‌های اشاره شده در این است که نگارندگان مفهوم تدبیر را در تفاسیر فریقین بررسی کرده‌اند تا تطور و تغییرات معنایی را در طول قرون متمادی بررسی کنند که در نوشتارهای ذکر شده هیچ پژوهشی در این زمینه انجام نگرفته است.

پیش از ورود به بحث مفهوم‌شناسی باید یادآور شد که مراد نگارندگان از رویکرد تاریخی در این پژوهش، بررسی معنا و تغییرات مفهوم تدبیر در طول زمان (از قرن اول تا عصر حاضر) از منظر تفاسیر فریقین است.

۲. مفهوم‌شناسی تدبیر

۲.۱. تدبیر در اندیشه اهل لغت

واژه تدبیر، در باب «تفعل» و از ریشه «د ب ر» گرفته شده است. لغت‌شناسان برای این واژه «دبر» معنای متفاوتی را ارائه داده‌اند: ابن‌درید آن را به معنای پشت می‌داند که در مقابل «قُبُل» یعنی جلو می‌آید (ابن‌درید، ۱۹۸۸: ۲۹۶/۱) و کنایه از دو عضو مخصوص بدن انسان است. (جوهری، ۱۴۰۷: ۲/۶۵۳؛ راغب اصفهانی، ۱۳۹۴: ۴/۶۳) «تدبیر» نزد اهل لغت، هم به معنی نگاه کردن در عاقبت امور و تأمل در آن (طریحی، ۱۳۸۶: ۳/۲۹۸) و هم به معنای تفکر آمده است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴/۲۷۳؛ طریحی، ۱۳۸۶: ۳/۲۹۹؛ زبیدی، بی‌تا: ۱۱/۲۵۶)

«تدبیر» نیز که از همین ریشه گرفته شده، به معنای در عاقبت کاری اندیشیدن است. (راغب اصفهانی، ۱۳۹۴: ۴۶۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶: ۳۹۰/۱؛ زبیدی، بی تا: ۲۵۶/۱) با توجه به تعاریفی که اهل لغت از تدبیر ارائه کرده‌اند، معنای این کلمه، در دو معنای پشت و عاقبت کار به کار رفته است و عده‌ای تدبیر را هم‌معنا با تفکر دانسته‌اند؛ اما باید توجه داشت که این دو واژه با یکدیگر تفاوت دارند؛ چراکه تفکر یعنی بررسی علل و خصوصیات یک امر، اما تدبیر به معنای بررسی عواقب و نتایج آن است. (عسکری، ۱۴۰۰: ۶۷؛ طریحی، ۱۳۸۶: ۲۹۹/۳) مفسران نیز تفاوت تفکر و تدبیر را این‌گونه بیان کرده‌اند. (طوسی، بی تا: ۲۷۱/۳) بنابر نظر لغت‌شناسان می‌توان گفت که تدبیر یعنی نتیجه کار که پس از بررسی علل و عواقب یک کار به دست می‌آید و این کلمه معنای نزدیکی با واژه تفکر دارد گرچه در یک معنا به کار نمی‌روند. با این توضیح ارتباط معنای «تدبیر» به «دبر» نیز مشخص می‌گردد که می‌توان گفت هر دو واژه به مفهومی فراتر از معنای استعمالی و ظاهری اشاره دارد.

۲.۲. تدبیر در اصطلاح مفسران

مفسران شیعه و سنی، معنایی که از تدبیر ارائه کرده‌اند، همان معنایی است که اهل لغت بیان کرده‌اند؛ البته برای تدبیر در قرآن، معانی متفاوتی ذکر شده که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. علاوه بر کسانی که می‌گویند تدبیر به معنای نظر در سرانجام کارها است (طوسی، بی تا: ۲۷۱/۳؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۵/۱۰)، گروهی با مقید کردن دقت و تأمل، تدبیر را به معنی در کاری درنگ و در انجام آن نگریستن می‌دانند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۵۹/۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۶۴/۱)؛ گروهی دیگر تدبیر را بررسی چیزی پس از چیز دیگر می‌دانند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۶/۵؛ جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۶۲۲/۱۹) برخی نیز بررسی نتایج به‌دست‌آمده از یک کار و بررسی پشت و روی آن را تدبیر می‌دانند که تفاوتش با تفکر در بررسی دلایل و عواقب کار است؛ چون تفکر یعنی بررسی دلایل کار و تدبیر بررسی نتایج و عواقب کار را گویند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۸/۴) با توجه به تعاریف مفسران، چهار معنی از تدبیر به دست آمد: نظر در سرانجام کارها، دقت و تأمل در کارها، بررسی تدریجی و مرحله به مرحله و بررسی نتایج به‌دست‌آمده از یک کار.

۳. مفهوم‌شناسی تاریخی تدبیر در تفاسیر (قرن اول تا عصر حاضر)

واژه تدبیر در تاریخ تفسیر دچار تطوراتی شده که در ادامه به بررسی آن از عصر نزول تا تفاسیر قرن حاضر پرداخته می‌شود.

۳.۱. قرن اول

عصر حضور پیامبر اکرم (ص) با اینکه صحابه همگی عرب بودند و قرآن به زبان قوم و عربی مبین نازل شده بود (شعراء/۱۹۵) و معنای آیات قرآن را متوجه می‌شدند، باز برخی

صحابه در مفهوم برخی از واژه‌ها و اصطلاحات به مشکل برمی‌خوردند و آن را از پیامبر (ص) می‌پرسیدند. (دیبین، ۱۳۹۲: ۴۶) از آنجا که تدبیر یک امر ذهنی قلبی است و با تفسیر تفاوت دارد، مردم نیازی به تبیین آن احساس نمی‌کردند. چون تدبیر با قلب سروکار دارد و بیشتر مردم عصر نزول به جز دشمنان سرسخت اسلام، با استماع آیات الهی قلب‌هایشان متحول و منقلب می‌شد و به اسلام می‌گرویدند. اگر خواسته شود به بررسی منابع مکتوب پیرامون تدبیر پرداخته شود، باید از قرن دوم به بعد شروع کرد، چراکه علوم اسلامی در قرن اول مدون نبود و تدوین علوم اسلامی از قرن دوم آغاز شده (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۶۳) و بحث‌های دینی رونق بیشتری گرفت. بنابراین برای شناخت نظریه‌هایی که پیرامون تدبیر مطرح است، ضرورت دارد تا به آراء مفسران ذیل آیات تدبیر از قرن دوم به بعد پرداخته شود.

۲.۳. قرن دوم

در نزدیک‌ترین تفسیر موجود به عصر پیامبر اکرم (ص) یعنی تفسیر مقاتل بن سلیمان، معنایی که برای تدبیر بیان شده، شنیدن است. در این تفسیر آمده «أفلایتدبرون» یعنی «أفلا یسمعون» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۳۹۲/۱)؛ یعنی چرا آیات الهی را نمی‌شنوند تا بدانند از جانب خداست. به نظر می‌رسد این معنی و مفهوم به تعریفی که ارائه شد، نزدیکتر است. چراکه تدبیر که امری قلبی ذهنی است، از شنیدن آغاز می‌شود؛ یعنی فردی که قرآن را بشنود، قلب وی متأثر گشته و به آن ایمان می‌آورد. قرآن با متن فصیح و بلیغ خود همگان را متحیر کرده و با شنیدن آن مستقیماً وارد قلب می‌شود. خطابی به تأثیر قرآن بر قلب و روان پرداخته و آن این است که کلام قرآن به محض شنیدن، تأثیر آن مستقیماً از گوش به قلب می‌رسد که همراه با شیرینی و لذت است و در انسان خشوع و خشیت ایجاد می‌کند. (ر.ک: خلف‌الله احمد و زغلول سلام، ۱۹۷۶: ۷۰) در نتیجه شنیدن قرآن می‌تواند مرحله آغازین تدبیر باشد. ساختار نهفته در این معنی توجه نکردن به ریشه لغوی تدبیر است.

۳.۳. قرن سوم

در تفاسیر (تستری، قمی، معانی القرآن، تفسیر غریب القرآن، تفسیر القرآن العزیز و...)، مفسران قرن سوم ذیل آیات تدبیر، مفهوم خاصی برای این واژه بیان نکرده‌اند. تستری ضمن تفسیر قلب و قفل‌هایی که بر قلب زده می‌شود (تستری، ۱۴۲۳: ۱۴۵/۱)، از کنار تدبیر گذر کرده است و این نشان از فهم واژه تدبیر در آن زمان به دلیل نزدیکی به عصر پیامبر (ص) بود و عموم مردم مفهوم تدبیر را می‌فهمیدند. اگر هم مقاتل اشاره‌ای داشته، خواسته بگوید برای تدبیر، استماع قرآن شرط است و باید با گوش دل آن را شنید. تفاسیر نوشته شده در این قرن بیشتر روایی و ادبی-لغوی هستند. این نشان می‌دهد که احتمالاً روایتی در این زمینه وارد نشده و مردم درباره مفهوم این واژه سؤالی از پیامبر اکرم (ص) نکرده‌اند و عدم سؤال می‌تواند نشان از بدیهی بودن معنی و آگاهی آنان نسبت به معنای تدبیر باشد.

۳. ۴. قرن چهارم

قرن چهارم دوره‌ای است که گرایش و توجه به تفسیر بیشتر شد و تفاسیر بیشتری نوشته شد. همچنین در این قرن دیدگاه‌های متفاوتی به وجود آمد. بنابراین مفسران معانی متفاوتی برای تدبر بیان کرده‌اند.

تفسیر جامع البیان تدبر را به معنی توجه معنی کرده است. «بتدبرون النظر فیه». (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱۴/۵؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۱۰۱۳/۳) بعد از معنای «شنیدن» که در قرن دوم مطرح شد، در این قرن معنای «توجه» در تفسیر جامع البیان طبری به نقل از ضحاک مطرح شد که بی‌ارتباط با شنیدن نیست. بنابراین تدبر در قرآن یعنی توجه در کتاب خدا و تلاش برای فهم معانی آیات قرآن کریم.

تدبر در تعریف گروهی از مفسران این قرن به معنای «اندیشه و تفکر» بکار رفته است. چنانکه تفسیر آیه تدبر در سوره نساء و سوره ص به معنی «أفلایتفکرون فی القرآن» و «لکی یتفکروا فی آیاته» معنی شده است. (دینوری، ۱۴۲۴: ۱۶۳/۱؛ ۲۳۰/۲) چرا در آیات قرآن تفکر نمی‌کنند تا ببینند در آیاتش اختلاف کثیر نه، بلکه اختلاف قلیلی هم وجود ندارد. چرا در آیات و مواعظ قرآن تفکر نمی‌کنند تا ببینند آیات همدیگر را تصدیق می‌کنند و برای عبرت و پندپذیری به سوی شما آمده است. (ر.ک: سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳۲۱/۱؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۲۶۷/۲؛ دینوری، ۱۴۲۴: ۱۶۳/۱) این تعریف برای اولین بار در قرن چهارم مطرح شد و در قرون بعد نیز طرفدارانی داشت و مفسران زیادی این تعریف را برگزیدند که در ادامه خواهد آمد.

برای اولین بار در قرن چهارم هجری معنای تدبر بر اساس ریشه لغوی آن معنا شد. معنایی که صاحب «اعراب القرآن» برای تدبر بیان کرده است، «توجه به عاقبت و نتیجه کار» است. این تعریف با ریشه لغوی تدبر سازگار است. نحاس تدبر را به «افلاینظرون فی عاقبتهم» معنی کرده و آن را به معنای توجه به عاقبت و نتیجه کار می‌داند و این کار را برای دست یافتن به معنای حقیقی قرآن لازم می‌داند. (ر.ک: نحاس، ۱۴۲۱: ۲۲۸/۱) این معنی می‌تواند هدف از تدبر باشد؛ یعنی با تدبر در قرآن می‌توان به مراد و معنای حقیقی آیه دست یافت. بیشتر مفسران همین معنا را برگزیده‌اند و تا قرن حاضر هم این معنا مورد نظر محققان و مفسران قرار دارد. در این قرن تدبر به صورت لغوی معنا شده و صرفاً گفته شده تدبر یعنی نظر و توجه در عاقبت امور، لذا به مفهوم اصطلاحی آن توجهی نشده است.

۳. ۵. قرن پنجم

در تفاسیر شیعه و اهل سنت این قرن تدبر به معنی «نظر و تأمل در عواقب امور» معنی شده است. شیخ طوسی در معنی تدبر می‌نویسد: «التدبر؛ هو النظر فی عواقب الامور» چنانکه جرجانی و مکی بن حموش، آن را به معنی «التأمل فی عواقب الامور» و «ینظرون فی عاقبتهم»

معنی کرده‌اند. (طوسی، بی تا: ۲۷۱/۳؛ جرجانی، ۱۴۳۰: ۵۱۰/۱؛ حموش، ۱۴۲۹: ۱۳۹۸/۲) البته شیخ طوسی در تفسیر سوره «ص»، تدبیر را به معنی «تفکر در ادله قرآن» هم معنی کرده است. (طوسی، بی تا: ۵۵۸/۸) در این قرن در کنار معنای ذکر شده، معنای جدیدی برای تدبیر بیان شد که با معنای ذکر شده تفاوت داشت و آن ژرف‌نگری و دقت در استنباط برای استخراج جواهر معانی قرآن از آیات بود. صاحب «لطایف الاشارات» در تعریف تدبیر می‌نویسد: «تدبیر؛ اشاره‌ی المعانی بغوص الأفكار و استخراج جواهر المعانی بدقائق الإستنباط». (قشیری، ۲۰۰۰: ۳۵۰/۱)

۳.۶. قرن ششم

تعریف اصطلاح «تدبیر در قرآن» در این دوره به صورت گسترده‌تر مطرح شد. صاحب تفسیر زاد المسیر در معنای «أفلایتدبرون القرآن» از ابن عباس نقل می‌کند این فراز از آیه یعنی این که چرا در آن تدبیر نمی‌کنند تا ببینند بعضی از آیات بعضی دیگر را تصدیق می‌کنند در حالی که هیچ‌یک از مخلوقات قادر به این کار نیستند (ر.ک: جرجانی، ۱۳۷۸: ۲۵۰/۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴۳۸/۱)؛ بنابراین مفسران در این قرن علاوه بر پرداختن به مفهوم تدبیر، بیاناتی هم راجع به مفهوم تدبیر در قرآن ارائه کرده‌اند. در این دوره برای تدبیر از سوی مفسران سه معنی بیان شده است.

برخی از مفسران شیعه قرن ششم مراد قرآن از تدبیر را «اندیشه کردن همراه با توجه» دانسته‌اند و بین تدبیر و تفکر فرق قائل شده‌اند. ابوالفتح رازی در تفسیر آیه ۸۲ سوره نساء می‌نویسد: «فرق میان تدبیر و تفکر آن است که «تدبیر» تصرف دل باشد به نظر (در عواقب و تفکر تصرف دل باشد به نظر) در دلائل» همو می‌نویسد: در آیت چهار دلیل است بر چهار اصل از اصول مذهب ما: یکی بطلان تقلید و حث بر نظر و تأمل و تدبیر، دگر دلیل است بر بطلان قول آن کس که گفت: معنی قرآن نشاید دانستن الا به قول رسول، و این مذهب مجبران است و جماعتی حشویان، برای آن که خدای تعالی ما را حث کرد بر تدبیر و تأمل او بدانیم که کلام خداست بانتفاء الاختلاف عنه، و این آنگه باشد که ما از او به تأمل چیزی بدانیم. دگر دلالت آن که او کلام خداست به نفی اختلاف و تناقض فرمود، نه از جهت قدم و حدوث، نه گفت اگر نه کلام خدای بودی محدث بودی. دلیل چهارم آن که اختلاف و تناقض و تفاوت نه از فعل خدای است، برای آن که اگر از فعل او بودی از عند او بودی، و خدای تعالی گفت: آن از عند غیر من باشد. (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۳۳/۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۱۹۱/۱)

یکی از معانی که در این قرن بین مفسران فریقین رواج داشت، تدبیر به معنی «توجه به عاقبت و انجام کارها» است. با توجه به این که این معنا با ریشه لغوی تدبیر همخوانی دارد، توجه و اقبال بیشتری به این معنا شده است و مفسران تا قرن حاضر نیز به این معنا توجه

دارند؛ در این قرن نیز مفسران شیعه و اهل سنت به این معنا توجه داشته و ذیل آیه ۸۲ سوره نساء تدبر را به «النظر فی ادبار الامور» معنی کرده و مراد از تدبر القرآن را «تامل معانی» می‌دانند. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲۴/۳؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۳/۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۴۰/۱؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۸۳/۲؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۱/۶۶۷) میبیدی می‌نویسد: «تدبر یعنی در آخر کارها نظر کنی تا اول و آخر آن به هم سازی و راست کنی.» (میبیدی، ۱۳۷۱: ۶۰۳/۲) تدبر در قرآن در این قرن به معنای تأمل در معانی آیات برای رسیدن به مراد آیه تعریف شده است. (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۲: ۱/۲۷۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۴۰/۱)

«مکاشفه» یکی از معانی ویژه این دوره است که تنها یک مفسر آن را بیان کرده است. میبیدی از ابوعثمان مغربی نقل می‌کند که تدبر بر سه قسم است و یکی از اقسام آن را اندیشه کردن در قرآن می‌داند و می‌نویسد: «سوم اندیشه کردن در قرآن، آن را تدبر حقیقت و مکاشفه گویند که صفت عارفان است.» (میبیدی، ۱۳۷۱: ۶۱۲/۲) ایشان تدبر را صفت عامه مسلمانان، زاهدان و عارفان می‌دانند. این تعریف از تدبر که تعریفی عارفانه است، به کشف معانی و مفاهیم حقیقی قرآن دلالت دارد که با توجه به تعریف فوق، تنها عرفا می‌توانند به آن دست پیدا کنند و دیگران از دسترسی به مراد آیات محروم هستند. البته این با عمومیت آیه تدبر ناسازگار است؛ چراکه آیه همگان را به تدبر دعوت می‌کند و قشر خاصی را مستثنا نمی‌کند؛ بنابراین همه افراد می‌توانند در قرآن تدبر کنند و به فهمی از آیات آن دست یابند.

۶.۳. قرن هفتم

در این قرن گرچه مفسران بزرگی مانند فخر رازی، بیضاوی، قرطبی و... ظهور کردند و تا حدودی تحولی در علم تفسیر به وجود آوردند، اما مفسران ذیل آیات تدبر، نظر جدیدی ارائه نکرده و معنای مشهور «النظر فی عواقب الامور و ادبارها؛ توجه به نتیجه و انجام کار» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۰/۱۵۱) را در تفاسیر خود نقل کرده‌اند. البته در این قرن به یکی از تعاریف تدبر در تفاسیر فریقین یعنی «تامل در معانی و مبانی قرآن» اشاره شده است. (ر.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸: ۸۶/۲؛ حسنی واعظ، ۱۳۸۱: ۹۰) فخر رازی ذیل آیات تدبر دو نکته را متذکر می‌شود، اولین نکته احتجاج خداوند با قرآن بر صحت نبوت پیامبر اکرم (ص) و دیگری عدم دسترسی به اسرار عجیب قرآن بدون تدبر و تأمل در آیات قرآن. (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۰/۱۵۱؛ ۲۶/۳۸۹)

۸.۳. قرن هشتم

علاوه بر معنای «عاقبت نگری» که یکی از مفسران این دوره آن را در تفسیر خود آورده (ر.ک: نظام الأعرج، ۱۴۱۶: ۴۵۵/۲)، دو معنای متفاوت نیز از جانب مفسران ارائه شده است: از معانی متفاوتی که در این قرن توسط مفسران ارائه شد، «تفهم» در معانی است. صاحب

«تفسیر القرآن العظیم» ذیل آیه ۸۲ سوره مبارکه نساء می‌نویسد: «خداوند دستور به تدبیر در قرآن و تفهیم در معانی محکم و الفاظ بلیغ قرآن داده است و به آن‌ها خبر می‌دهد که در قرآن هیچ اختلاف و تعارضی وجود ندارد چراکه از جانب خداوند حکیم و حمید آمده است.» (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۲۲/۲) معنای دیگری که بیان شد، «نظر و استدلال» است. صاحب تفسیر غرائب القرآن می‌نویسد: «و فی الآیة دلالة علی وجوب النظر و الاستدلال اعنی التدبیر» (نظام الأعرج، ۱۴۱۶: ۴۵۶/۲)

دیگر معنای بیان شده در قرن هشتم، «فکر کردن و اندیشیدن» است. صاحب تفسیر «جلاء الاذهان» ذیل آیه ۸۲ سوره نساء می‌نویسد: «استفهام است بر سبیل تقریع و توبیخ. می‌گوید که این کافران و منافقان که بر کفر و نفاق خود اصرار کرده‌اند و ما این آیات قرآن می‌فرستیم و توی پیامبر این آیات را بر آن‌ها می‌خوانی و اینان می‌شنوند، آیا در آن هیچ اندیشه نمی‌کنند تا بدانند که درست و راست و حق است و از جانب خدای متعال نازل شده است.» (جرجانی، ۱۳۷۸: ۲۵۰/۲) در این قرن مفسران برای تدبیر به معنای «تفکر» چند نکته را متذکر شده‌اند. ابن جزئی تدبیر را به معنی «حَضَّ علی التفکر فی معانیه لتظهر ادلته و براهینه» ترغیب بر تفکر در معانی قرآن می‌داند تا ادله و براهین آیات ظاهر شود. دوم «تدبیر القرآن» را به معنای تفکر در حکمت‌های قرآن معنی کرده‌اند و سوم تدبیر را به معنی تفکر در آیات برای تبعیت از اوامر و نواهی آن جهت رسیدن به اسرار عجیب و لطایف آیات می‌دانند (ر.ک: خازن، ۱۴۱۵: ۲۰۱/۱ و ۴۰۲؛ ۴۰/۴)

۳. ۹. قرن نهم

مفسران در این قرن همان معنای از پیش گفته شده را قبول داشتند. برخی همچون ثعالبی تدبیر را «نظر در اعقاب امور و تاویلات اشیاء» دانسته و آیه «افلا یتدبرون القرآن» را امری می‌داند که باید در قرآن با نظر و استدلال نگریست (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۲۶۸/۲) و برخی چون ثلاثی معتقد است که آیه به وجوب نظر در آیات قرآن و باطل بودن تقلید اشاره دارد و ثمره آن را وجوب تفکر در آیات قرآن می‌داند. (ر.ک: ثلاثی، ۱۴۲۳: ۴۰۹/۲؛ ۱۳۵/۵)

در این قرن برای تدبیر معنای دیگری نیز از سوی قرآن پژوهان ذکر شده است. حفظ آداب و شرایع قرآن و نظر در الفاظ قرآن و ترتیب و لوازم آیات برای استخراج علوم به طریق استدلال، از جمله این معانی است. (ر.ک: سیواسی، ۱۴۲۷: ۲۵/۴؛ مهائمی، ۱۴۰۳: ۲۰۴/۲)

۳. ۱۰. قرن دهم

مفسران این قرن بر معنای «تأمل در آیات قرآن» و توجه به معانی حقیقی آن صحه گذاشتند. (ر.ک: شیخ علوان، ۱۹۹۹: ۱۶۱/۱؛ کاشفی، بی تا: ۱۹۴؛ شیخ زاده، ۱۴۱۹: ۳۷۰/۲؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۵: ۳۶۸/۱) سیوطی برای تدبیر چند نکته را ذکر کرده است. اولین نکته

آن که مراد از تدبر در آیات یعنی تبعیت از قرآن با عمل کردن به آیات آن. (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰۸/۵) نکته دوم آن است که سیوطی معتقد است در آیه «لیتدبروا آیاته» فقهاء استدلال بر استحباب تدبر در قرآنت قرآن کرده‌اند، هر چند شیبانی آن را دلیلی بر وجوب تدبر می‌داند. (شیبانی، ۱۳۷۶: ۵۰۹) سیوطی در جای دیگر مراد از آن را سرعت در تدبر قرآن «الحث علی تدبر القرآن» دانسته و معتقد است آیه تدبر به روش اجتهادی تأکید دارد و ردی است بر زعم کسانی که معتقدند قرآن به غیر روش نقلی قابل فهم نیست. (سیوطی، ۲۰۰۷: ۹۵/۱).

معنای دیگری که در این قرن مفسران فریقین به آن اشاره کرده‌اند، آن است که مراد از «تدبر قرآن» همان نگرستن و تأمل کردن در آیات قرآن کریم و نگاه به پند و اندرز و نواهی و ممانعت‌های آن است «افلایتدبرون القرآن» ای «الایلا حظونه و لایتصفحونه و ما فیه من المواعظ و الزواجر» (ابوالسعود، ۱۹۸۳: ۹۹/۸؛ شیخ زاده، ۱۴۱۹: ۵۹۲/۷؛ شیخ علوان، ۱۹۹۹: ۳۳۰/۲؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۳۶۰/۶). این معنا نیز بر کل نگرایی آیات قرآن تأکید دارد؛ بدین منظور که با کنار هم قرار دادن آیات در صفحات مختلف (پشت سر هم) می‌توان به مراد برخی از موضوعات مطرح‌شده در قرآن پی برد.

۳. ۱۱. قرن یازدهم

از میان چهار مفسر معروف در این دوره، سه مفسر به اظهار نظر در مورد معنای تدبر پرداخته است. ملاصدرا در تفسیر خود معنایی از تدبر ارائه نکرده است. چراکه به تفسیر سوره‌هایی که دارای آیه تدبر باشد، نپرداخته است. (ر.ک: صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱) از مهم‌ترین مفسران این دوره که در مورد معنای تدبر اظهار نظر کرده، فیض کاشانی صاحب تفسیر «الصادفی» است. وی معنای تدبر در قرآن را «تأمل و نگرش عمیق» در معنای قرآن می‌داند (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۷۴/۱)؛ همین معنا را مفسران دیگر این قرن در تفسیر خود آورده‌اند. (ر.ک: اشکوری، ۱۳۷۳: ۵۱۶/۱؛ خفاجی، ۱۴۱۷: ۳۱۵/۲)

۳. ۱۲. قرن دوازده و سیزده

در این قرن تحولی در معنای تدبر ایجاد نشد. برخی از مفسران معنی «تفکر و نگرش عمیق» به آیات و برخی «تأمل در معانی و بینش عمیق» در آن را معنی تدبر دانسته‌اند. (ر.ک: قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۴۸۴/۳؛ حقی برسوی، بی تا: ۲/ ۲۴۴؛ جزایری، ۱۳۸۸: ۴۸۱/۱؛ کاشانی، ۱۴۱۰: ۲۳۸/۱؛ ابن ابی جامع، ۱۴۱۳: ۳۲۹/۱؛ قونوی، ۱۴۲۲: ۳۶۸/۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۸۹/۳؛ پانی پتی، ۱۴۱۲: ۱۷۰/۲؛ شبر، ۱۴۰۷: ۷۴/۲؛ جمل، ۱۴۲۷: ۸۸/۲؛ صاوی، ۱۴۲۷: ۳۱۰/۱) برخی توجه به بلاغت و بیان و دقت نظر داشتن در معانی و اطلاع از قصه‌ها و اخبار شگفت‌انگیز را معنای تدبر بیان کرده‌اند. (ر.ک: ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۵۳۵/۱) این معنا

با توجه به این که قابل درک برای عموم مردم نیست، نمی‌تواند درست باشد؛ چراکه بلاغت بحث بسیار تخصصی است که تنها از عهده بلغا و اهل ادبیات برمی‌آید؛ همچنین این نظر با عمومیت آیات تدبیر ناسازگار است.

۳.۱۳. قرن چهارده

قرن ظهور مفسران و متفکران بزرگ اسلامی در میان شیعه و اهل سنت است که هم از نظر فکری و هم از نظر علمی، جهان اسلام را دچار تحولی عظیم کرده و چهره علمی اسلام را به جهانیان معرفی کرده‌اند. متفکران بزرگی چون سید قطب، رشیدرضا، شیخ شلتوت و... که اندیشه و تفکر انقلابی و جهادی داشتند، بر بسیاری از تحولات جهان اسلام تأثیر مستقیم گذاشتند. می‌توان توجه به بحث فهم قرآن و تدبیر به صورت گسترده و مجزا از تفسیر را در اندیشه‌های سید قطب یافت. چراکه وی با نگارش کتاب‌هایی چون «التصویر الفنی فی القرآن» و تفسیر «فی ظلال القرآن»، نظریه جدیدی با ایجاد تصاویر قرآن در ذهن برای فهم قرآن معرفی کرد. با نگاهی به تفسیر فی ظلال القرآن مشخص می‌شود که روش تفسیری سید قطب نه تنها با مفسران پیش از خود کاملاً متفاوت است؛ بلکه وی در تفسیر خود از نظریات آنان کمتر استفاده کرده است. (ر.ک: قطب، ۱۴۲۵: ۱۱/۱-۱۸) بعد از وی شیخ شلتوت یکی از مؤسسان دارالتقرب بین المذاهب، دنبال یافتن راه‌حلی برای فهم بهتر قرآن و تعلیم آن به عموم مردم بود. وی در کتاب «إلی القرآن الکریم» در پی یافتن هدف و مفهوم کلی سوره‌ها است و معتقد است که مهمترین وظیفه رهبران و اندیشمندان دینی این است که قرآن کریم را برای همه مردم قابل فهم کنند و راه‌های تدبیر و تفقه در قرآن را به آنان نشان دهند. (ر.ک: شلتوت، ۱۳۷۷: ۱۳)

بسیاری از مفسران این قرن بر همان معنای مشهور یعنی «توجه به عاقبت امور» و نظر در نتیجه کار صحنه می‌گذارند و در مورد «أفلایتدبرون القرآن» می‌گویند این فراز از آیه بر حقیقت قرآن و سرانجام مؤمنین و کفار دلالت می‌کند و خداوند توسط قرآن کفار و منافقین را هشدار می‌دهد که این قرآن حق است و از جانب خداوند است (ر.ک: رضا، ۱۴۱۴: ۲۷۸/۵؛ بلاغی، ۱۳۸۶: ۵۸/۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۰۰/۴؛ مراغی، بی‌تا: ۱۰۲/۵؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۲۳۳/۳؛ حائری تهرانی، ۱۳۳۸: ۱۴۲/۳) تأمل در معانی قرآن و تفکر در الفاظ آن معنی دیگری است که مفسران قرن ۱۴ به آن توجه داشته‌اند. (ر.ک: شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۵۱۹/۲؛ خسروانی، ۱۳۹۰: ۲۵۰/۲؛ سعدی، ۱۴۰۸: ۲۰۱؛ نهانندی، ۱۳۸۶: ۲۵۲/۲؛ نووی، ۱۴۱۷: ۲۱۳/۱) مهمترین معنایی که برای تدبیر بیان شد، «به دیده دل نظر کردن در آیات به عواقب و نتایج هر چیز» است. (عاملی، ۱۳۶۰: ۴۶/۳) این تعریف در واقع مکمل تعریف مقاتل بن سلیمان است که تدبیر را به معنای «شنیدن» گرفته بود. یعنی برای فهم قرآن ابتدا باید به کلام الهی گوش کرد و سپس با قلب در آیات قرآن به تأمل و تفکر پرداخت. اگر

فردی به‌دور از کینه و تعصب سخن الهی را بشنود و قلباً به آن توجه کند، یقیناً به آن دل‌بسته خواهد شد و ایمان خواهد آورد. این تعریف می‌تواند تا حدودی با عمومی بودن آیات تدبیر سازگار باشد؛ چراکه همگان می‌توانند سخن الهی را بشنوند و قلباً به آن توجه کنند.

۳. ۱۴. قرن پانزده

عصر تحول در حوزه فهم قرآن است. در این دوره علاوه بر مفسران که به فهم بیشتر قرآن همت گماشتند، محققان و اندیشمندانی هم ظهور کردند که به‌طور ویژه به بحث‌های فهم قرآن پرداختند. یکی از برجسته‌ترین چهره‌های قرن پانزدهم، علامه طباطبایی است که تحول بزرگی در تفسیر پدید آورد و تفسیرش را با روش متدبرانه و به شیوه قرآن به قرآن نگاشت. بعد از علامه طباطبایی مفسران دیگری هم در تعریف تدبیر، بیشتر به معنایی که گذشتگان می‌گفتند اعتقاد داشتند و برخی هم معانی جدیدتر، اما نزدیک به همان معانی بیان می‌کردند. عده‌ای چون مکارم شیرازی و دیگران معنای تدبیر را «بررسی نتایج و عواقب امور» می‌دانند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۸/۴؛ همو، ۱۴۲۱: ۳/۳۴۵؛ حجازی، ۱۴۱۳: ۱/۴۰۲؛ شعراوی، ۱۹۹۱: ۴/۲۴۶۹؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴/۲۱۹)، برخی دیگر چون سبزواری و دیگران آن را «تأمل در معانی آیات» معنی کرده‌اند (ر.ک: سبزواری، ۱۴۱۹: ۹۶؛ همو، ۱۴۰۶: ۲/۳۱۶۷؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۴/۱۳۸؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۲/۹۰؛ شحاته، ۱۴۲۱: ۳/۸۸۱؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۷/۳۶۸۷؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۵/۱۶۸؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۳/۲۳۴؛ آبیاری، ۱۴۰۵: ۹/۳۲۴؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۷/۶۷۹؛ حوی، ۱۴۲۴: ۲/۱۱۳۲)، صاحب تفسیر ترجمان فرقان، «پشت سر هم فهمیدن آیات» را مراد از تدبیر می‌داند. (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۷/۱۴۷) برخی دیگر تدبیر را «غرق‌شدن و غور در مفاهیم آیات» می‌دانند (دیوبندی، ۱۳۸۵: ۱/۵۳۳) و بعضی «ارتباط آیات با یکدیگر» را مفهوم تدبیر دانسته‌اند. (امین، بی‌تا: ۴/۱۲۰) «تفهم» معنای دیگری است که در این قرن برخی قائل به آن شده‌اند. (ر.ک: دره، ۱۴۳۰: ۲/۵۴۷) آخرین معنایی که در این عصر بیان شده، «بررسی و وارسی کردن آیات» است. (خرم‌دل، ۱۳۸۴: ۱۶۷) آیت‌الله جوادی آملی تدبیر را «بررسی چیزی پس از چیز دیگر» می‌داند و مراد از تدبیر در قرآن را «تأمل و دقت در یک آیه با در نظر گرفتن همه آیات قرآن» معنی می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۱۹/۶۲۲)

با عنایت به ارزیابی دیدگاه مفسران در معنای تدبیر از قرن دو تاکنون شانزده معنی برای تدبیر ارائه شده است که عبارتند از: ۱. استماع ۲. توجه ۳. تفکر، شامل تفکر در الفاظ، تفکر در معانی و تفکر در الفاظ و معانی ۴. توجه و بررسی عاقبت و نتیجه امور ۵. ژرف‌نگری ۶. غور ۷. مکاشفه ۸. تأمل، شامل تأمل در الفاظ، تأمل در معانی، تأمل در الفاظ و معانی، تأمل در آیه‌ای به دنبال آیه دیگر و تأمل در آیه‌ای بعد از تأمل در آیه قبلی ۹. تفهم ۱۰. ارتباط آیات با یکدیگر ۱۱. پشت سر هم فهمیدن آیات ۱۲. بصیرت و بینش عمیق ۱۳. بررسی و وارسی

در معانی و مفاهیم قرآن ۱۴. به دیده دل نظر کردن ۱۵. فکر و نظر ۱۶. توجه به بلاغت. به نظر می‌رسد هر یک از توضیحات و تعاریفات فوق، می‌تواند در مفهوم تدبیر دخیل باشد؛ بدین معنی که تدبیر از شنیدن کلام الهی شروع می‌شود، بعد از آن دل دادن به آیات و در نهایت توجه و تأمل عمیق در آموزه‌های آن زمینه فهم و رسیدن به مراد الهی را فراهم می‌کند.

۴. جمع‌بندی

از مباحث مطرح‌شده و بررسی‌های صورت گرفته درباره مفهوم تدبیر از نگاه مفسران، ماحصل آنچه به دست آمده، به شرح ذیل است.

۴. ۱. تقسیم‌بندی بر اساس قرن

در این تقسیم‌بندی تفاسیر به ترتیب از قرن اول تا عصر حاضر مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید که مفسران تا قرن چهارم مفهوم و معنای خاصی از تدبیر ارائه نکرده‌اند. شاید به این دلیل که مردم درک نسبی از این مفهوم داشتند و به نوعی با قرآن مانوس بوده و قلباً پذیرای آن بودند. جز تفسیر مقاتل بن سلیمان در قرن دوم که تدبیر را به معنای «شنیدن» گرفته است، تفاسیر دیگر این دوره و قرن سوم نسبت به بیان مفهوم تدبیر ساکت مانده‌اند. در قرن چهارم که مفسران بیشتری ظهور کردند، سه معنای متفاوت بیان شد که بیشتر بر معنای «توجه به آیات» صحنه گذاشتند. با این وجود در این دوره بود که برای اولین بار تدبیر بر اساس معنای ریشه لغوی آن یعنی «دبر به معنای پشت» تعریف شد و مراد از تدبیر «توجه به عاقبت و نتیجه امور» دانسته شد؛ عاقبت کار یعنی پشت و پس هر کار؛ بنابراین تعریف تدبیر در قرآن یعنی رسیدن به عاقبت و نتیجه آیه. کمترین دوره‌ای که به مفهوم تدبیر توجه شده، قرن یازدهم است که تنها سه تفسیر آن هم مشترکاً معنای «تأمل» را مراد از تدبیر دانسته‌اند و مفسران دیگر این دوره راجع به تدبیر اظهار نظر نکرده‌اند.

در عصر حاضر (قرن پانزدهم) که دوره ظهور مفسران بزرگ با رویکرد اجتهادی است، تنوع تعاریف تدبیر بیشتر از دوره‌های گذشته است؛ تا زمان حاضر هفت معنای متفاوت از آن بیان شده است که سهم «تأمل» از تعاریف دیگر بیشتر است؛ به طوری که یازده مفسر بر این معنا صحنه گذاشته‌اند. مفهوم «تأمل» نخستین بار توسط مفسران قرن هشتم ارائه شد و سیر صعودی خود را تا عصر حاضر طی کرده است. به نظر می‌رسد با ادامه این روند با توجه به گسترش دانش به‌ویژه در حوزه تدبیرشناسی و کسب تخصص در این زمینه، می‌توان شاهد تعاریف بیشتر و واقع‌بینانه‌تری از تدبیر شد.

۴. ۲. تقسیم‌بندی بر اساس مذهب

از بین ۲۱۰ اثر تفسیری یا قرآنی که شامل ۹۲ اثر از آثار دانشمندان شیعه و ۱۱۸ اثر از دانشمندان اهل سنت می‌شود، ذیل آیات تدبیر، ۱۰۶ اثر درباره مفهوم تدبیر اظهار نظر کرده و

۱۰۴ اثر دیگر در بیان معنی تدبر ساکت مانده‌اند. (یا بدون توجه از آن عبور کرده و یا خود واژه تدبر را ذکر کرده‌اند) از بین این ۱۰۶ تألیف، ۴۰ تا از آن‌ها متعلق به اندیشمندان شیعه و ۶۶ تا متعلق به محققان اهل سنت است. نتایج بیانگر آن است که تنوع تعریف از تدبر در هر دو گروه از مفسران مشاهده می‌شود؛ یعنی از ۱۶ معنی، ۱۰ معنای متفاوت را مفسران شیعه و ۱۰ معنای متفاوت را مفسران اهل سنت بیان کرده‌اند. این نشان از عدم توافق آن‌ها بر یک معنی و همچنین معنای گسترده تدبر است.

با توجه به این که عمده آن‌ها چه شیعه و چه اهل سنت مفهوم «تأمل» سپس «توجه به عاقبت امور» را معنی اصلی واژه تدبر دانسته‌اند، معلوم می‌گردد که مذهب تأثیر خاصی بر تعریف از تدبر نداشته است. در بین تعاریف مختلف این دو گروه، به نظر می‌رسد دانشمندان شیعه از مفاهیم دقیق‌تری استفاده کرده‌اند؛ مفاهیمی چون استماع، به دیده دل نگریستن، پشت سر هم فهمیدن آیات و ارتباط دادن آیات به یکدیگر، از مفاهیم خاصی است که مفسران شیعه برای تدبر بیان کرده‌اند. اهمیت این تعاریف آنجا مشخص می‌گردد که می‌توان با کنار هم قرار دادن آن‌ها تعریف جامع‌تری از تدبر ارائه داد؛ یعنی برای تدبر در قرآن باید ابتدا کلام پاک الهی را شنید و قلباً آن را پذیرفت، سپس مفهوم آیات را پشت سر هم و با ربط دادن به یکدیگر فهم کرد. هر آیه جدای از دیگری نیست و همه آیات قرآن همانند یک زنجیره به هم پیوسته به یکدیگر متصل هستند و با هم هدف معینی را دنبال می‌کنند.

۴. ۳. تقسیم‌بندی بر اساس زبان

در این بخش به بررسی مفهوم تدبر در تفاسیر فارسی و عرب‌زبان پرداخته می‌شود. نتایج حاصل آن است که باز هم تنوع تعاریف حرف اول را می‌زند؛ از ۱۶ تعریف ارائه شده، ۹ تعریف متفاوت نزد فارس‌زبانان و ۱۰ تعریف متفاوت نزد عرب‌زبانان دیده می‌شود. این هم نشان از عدم توافق بر سر مفهوم واحدی از تدبر در زبان خاصی دارد؛ یعنی فارس‌زبانان هم بر یک معنا توافق نکرده‌اند و حتی عرب‌ها که زبان قرآن زبان آن‌ها است، نتوانسته‌اند در مورد مراد خداوند از تدبر به تعریف واحدی دست یابند.

۴. ۴. تقسیم‌بندی بر اساس روش تفسیری

تقسیم‌بندی دیگر بر اساس روش تفسیری است که از سوی مفسر نگارش یافته است. در این تقسیم‌بندی مفاهیم تدبر از حیث تفسیر نوشته‌شده (ادبی، عرفانی، روایی و...) بررسی می‌شود تا معلوم گردد آیا نوع تفسیر در تعریف واژه تدبر تأثیری داشته یا نه؟ تنوع تعریف در تفاسیر روایی (۷ معنی)، عرفانی (۶ معنی) و اجتهادی (۵ معنی) است. البته یادآوری این نکته لازم است که در تفاسیر روایی تعاریفی که از تدبر ارائه شده، فرمایشات معصومین (ع) نیست بلکه نظریات خود مفسران است؛ بنابراین نمی‌توان آن تعریف را از جانب معصوم دانست.

نکته جالب‌تر تنوع تعریف در تفاسیر عرفانی است که از بین ۸ تفسیر عرفانی بررسی شده، ۶ معنی متفاوت به دست آمد؛ چه بسا با بررسی تفاسیر بیشتر عرفانی بتوان معانی مختلف دیگری کشف کرد. به نظر می‌رسد این تفاوت به دلیل نگرش خاصی است که این دسته از مفسران دارند. مفهومی مانند «مکاشفه» خود مفهومی صوفیانه است که در یکی از تفاسیر عرفانی بیان شده است. با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان به این نتیجه رسید که تعریف از تدبر، امری سهل و ممتنع است. سهل به این خاطر که هر کس می‌تواند مفهومی برای آن بیان کند که دارای مفهوم فکر و اندیشه باشد و ممتنع بودن آن به دلیل این است که علی‌رغم تحقیق و پژوهش‌های به‌عمل‌آمده در این حوزه، همچنان بر سر یک تعریف توافق به وجود نیامده و به‌ویژه امروزه با پژوهش‌های جدیدتر مفهومی جدیدتر بیان می‌شود.

نتیجه‌گیری

تدبر به عنوان یک دست‌نویس قرآنی و همگانی از همان ابتدای عصر رسالت مورد توجه مفسران قرار داشته است. در معنای اصطلاحی تدبر تعریف واحدی بیان نشده، همچنان که در معنا و مفهوم لغوی آن بیش از پانزده معنا مطرح شده است. در قرون اول به دلیل حضور پیامبر خدا (ص) معنایی برای تدبر ذکر نشده است. اما از قرن دوم به بعد معانی متعدد و متناسب با آن زمان در نوشتار مفسران بیان شده است، چنانچه در قرن دوم شنیدن قرآن، قرن سوم معنایی خاص در نظر نگرفته، قرن چهارم توجه و تفکر در قرن پنجم ژرف‌نگری در آیات، قرن ششم فکر و مکاشفه، قرن هفتم نیز همان معنی گذشته، قرن هشتم تفهیم تأمل و تفکر، قرن نهم همانند قرن هفتم، قرن دهم تأمل در آیات قرآن و توجه به معانی حقیقی، قرن یازدهم تأمل و نگرش عمیق در معانی قرآن، قرن دوازدهم و سیزدهم به مانند قرون گذشته، قرن چهاردهم معانی متعدد از قبیل توجه به عاقبت امور و نظر در نتیجه کار، تأمل کردن در آیات قرآن، به دیده دل نظر کردن در آیات به عواقب و نتایج هر چیز. اوج توجه به امر تدبر و عصر شکوفایی آن را می‌توان عصر حاضر و به ویژه بعد از نگارش تفسیر «المیزان فی تفسیر القرآن» نوشته علامه طباطبایی دانست. این تفسیر نوعی تفسیر تدبری است که امروزه متدبران، شیوه‌های تدبری خود را برگرفته از آن می‌دانند. با نگاهی به تعاریف بیان شده در تفاسیر می‌توان به این نتیجه رسید که اگرچه مفاهیم ارائه شده از تدبر در قرآن طی زمان‌های گذشته (از عصر نزول تاکنون) دچار تغییراتی شده، اما می‌توان برداشت کرد که این مفاهیم با همدیگر تناسب و ارتباط دارند. چنانچه هر کسی که کلام الهی را بشنود و این شنیدن همراه با نگرش قلبی و ذهنی، همراه با تأمل و ژرف‌نگری در آیات و به دور از پیش‌فرض‌های ذهنی باشد، این امکان برای همه افراد وجود دارد تا به مراد جدی کلام الهی و غرض اصلی آیات و سوره‌های قرآن دست یافته و در مسیر هدایت قرار بگیرند.

کتابنامه

- قرآن کریم ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- آبیاری، ابراهیم (۱۴۰۵ق): «الموسوعة القرآنية»، قاهره: مؤسسة سجل العرب.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی»، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن ابی جامع، علی بن حسین (۱۴۱۳ق): «الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز»، تحقیق مالک محمودی، قم: دار القرآن الکریم.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق): «تفسیر القرآن العظیم محمد طیب»، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز، چاپ سوم.
- ابن جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق): «التسهیل لعلوم التنزیل»، تحقیق عبدالله خالدی، بیروت: شرکت دار الأرقم بن ابی الأرقم.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق): «زاد المسیر فی علم التفسیر»، تحقیق عبدالرزاق مهدی، بیروت: دار الکتب العربیه.
- ابن حموش، مکی (۱۴۲۳ق): «مشکل إعراب القرآن»، تصحیح یاسین محمد سواس، بیروت: دار الیمامه، چاپ سوم.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۶۹ش): «متشابه القرآن و مختلف»، قم: انتشارات بیدار.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق): «تفسیر التحریر و التنوی»، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن عجبیه، احمد (۱۴۱۹ق): «البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید»، تحقیق احمد عبدالله قرشی رسلان، قاهره: انتشارات حسن عباس زکی.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق): «المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز»، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق): «التفسیر القرآن العظیم»، تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابوالسعود، محمد بن محمد (۱۴۸۳م): «ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق): «روض الجنان و روح الجنان»، تصحیح محمد مهدی ناصح - محمد جعفر یاحقی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- اشکور، محمد بن علی (۱۳۷۳ش): «تفسیر شریف لاهیجی»، تصحیح جلال الدین محدث، تهران: دفتر نشر داد.
- امین، نصرت بیگم (بی تا): «تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن»، بی جا: بی نا.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق): «معالم التنزیل»، تصحیح عبدالرزاق مهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بلاغی، عبدالحجه (۱۳۸۶ش): «حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر»، قم: انتشارات حکمت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق): «انوار التنزیل و اسرار التأویل»، اعداد محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۲ش): «مجموعه درس گفتارهایی درباره تاریخ تفسیر قرآن کریم»، تنظیم و ویرایش محمد جانی پور، تهران: انتشارات امام صادق (ع).
- پانی پتی، ثناء الله (۱۴۱۲ق): «تفسیر المظهری»، کویت: مکتبه رشدیة.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق): «جواهر الحسان فی تفسیر القرآن»، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق): «روان جاوید در تفسیر قرآن مجید»، تهران: انتشارات برهان، چاپ دوم.
- ثلاثی، یوسف بن احمد، (۱۴۲۳ق): «تفسیر الثمرات الیائعه و الاحکام الواضحه القاطعه»، صمدیه: مکتبه

- التراث الاسلامی.
- جرجانی، حسین بن حسن (۱۳۷۸ش): «جلاء الأذهان و جلاء الأجزاء»، تصحیح جلال‌الدین محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن (۱۴۳۰ق): «درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم»، تحقیق طلعت صلاح فرحات، بیروت: دار الفکر.
- جزایری، نعمت‌الله بن عبدالله (۱۳۸۸ش): «عقود المرجان فی تفسیر القرآن»، تحقیق مؤسسه فرهنگی ضحی، قم: انتشارات نور وحی.
- جمل، سلیمان بن عمر (۱۴۲۷ق): «الفتوحات الالهیه بتوضیح تفسیر الجلالین للدقایق الخفیه»، تصحیح ابراهیم شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳ش): «تفسیر تسنیم»، قم: مرکز نشر اسراء.
- حائری تهرانی، علی (۱۳۳۸ش): «مقتنیات الدرر»، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق): «التفسیر الواضح»، بیروت: دار الجیل، چاپ دهم.
- حسینی واعظ، محمود بن محمد (۱۳۸۱ش): «دقائق التاویل و حقائق التنزیل»، تحقیق جويا جهان‌بخش، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ق): «انوار درخشان در تفسیر قرآن»، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران: انتشارات لطفی.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا): «تفسیر روح البیان»، بیروت: دار الفکر.
- حوی، سعید (۱۴۲۴ق): «الاساس فی التفسیر»، قاهره: دار السلام، چاپ ششم.
- خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ق): «الباب التاویل فی معانی التنزیل»، تصحیح عبدالسلام حمدعلی شاهین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- خرم‌دل، مصطفی (۱۳۸۴ش): «تفسیر نور»، تهران: انتشارات احسان، چاپ چهارم.
- خسروانی، علیرضا، (۱۳۹۰ق): «تفسیر خسروی»، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۴۲۵ق): «السراج المنیر»، تحقیق ابراهیم شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- خفاجی، احمد بن محمد (۱۴۱۷ق): «عنایه القاضی و کفایه الراضی علی تفسیر البیضاوی»، تحقیق عبدالرزاق مهدی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- خلف‌الله محمد، احمد و محمد زغلول سلام (۱۹۷۶م): «ثلاث رسائل فی إعجاز القرآن»، قاهره: دار المعارف، چاپ سوم.
- دره، محمدعلی طه (۱۴۳۰ق): «تفسیر القرآن الکریمو اعرابه و بیانه»، بیروت: دار ابن کثیر.
- دیبین، اندرو (۱۳۹۲ش): «رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن»، ترجمه: کوشش و ویرایش مهرداد عباسی، تهران: انتشارات حکمت.
- دینوری، عبدالله بن محمد (۱۴۲۴ق): «الواضح فی تفسیر القرآن کریم»، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- دیوبندی، محمود حسن (۱۳۸۵ش): «تفسیر کابلی»، تهران: انتشارات احسان، چاپ یازدهم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا): «المفردات فی غریب القرآن»، تحقیق محمدسید گیلانی، تهران: المکتبه المرتضویه.
- رضا، محمد رشید (۱۴۱۴ق): «تفسیر القرآن الحکیم»، بیروت: دار المعرفه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷ش): «تفسیر قرآن مهر»، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- زبیدی، محمد بن محمد (بی تا): «تاج العروس من جواهر القاموس»، تحقیق: مجموعه‌ای از محققین، بی جا: دار الهدایه.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق): «التفسیر المنیر فی عقیده و الشریعه و المنهج»، دمشق: دارالفکر، چاپ دوم.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق): «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل»، تحقیق مصطفی حسین احمد، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم.

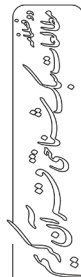
- سبزواری، محمد (۱۴۱۹ق): «ارشاد الاذهان الى تفسير القرآن»، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
- سعدی، عبدالرحمن (۱۴۰۸ق): «تيسير الکریم الرحمن فی تفسير الکلام منان»، بيروت: مكتبة النهضة العربية، چاپ دوم.
- سمرقندی، نصرین محمد (۱۴۱۶ق): «بحرالعلوم»، تحقیق عمر عمروی، بيروت: دار الفكر.
- سیواسی، احمدبن محمود (۱۴۲۷ق): «عیون التفاسیر تحقیق بهاءالدين دارتما»، بيروت: دار صادر.
- سیوطی، جلالالدين ابی بکر (۱۴۰۴ق): «الدرالمنثور فی التفسیر بامانور»، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۳۳ش): «تفسیر اثنی عشری»، تهران: انتشارات میقات.
- شبر، عبدالله (۱۴۰۷ق): «الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین»، کویت: شركة المكتبة الألفین.
- شحاته، عبدالله محمود (۱۴۲۱ق): «تفسیر القرآن الکریم»، قاهره: دار غریب.
- شعراوی، محمدمتولی (۱۹۹۱م): «تفسیر الشعراوی»، بيروت: اخبار الیوم.
- شلتوت، محمود (۱۳۷۷ش): «سیری در قرآن کریم»، ترجمه سیدحسن سیدی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- شیخ علوان، نعمهاللهبن محمود (۱۹۹۹م): «الفواتح الالهیه و المفاتیح الغیبیه: الموضحة للكلم القرآنیة و الحكم الفرقانیة»، قاهره: دار رکا بی للنشر.
- شیخ زاده، محمدبن مصطفی (۱۴۱۹ق): «حاشیه محیالدين شیخزاده علی تفسیر القاضی البیضاوی»، تصحیح محمد عبدالقادر شاهین، بيروت: دار الكتب العلمية.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۸ش): «ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم»، قم: انتشارات شکرانه.
- صاوی، احمدبن محمد (۱۴۲۷ق): «حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین»، تصحیح محمد عبدالسلام شاهین، بيروت: دار الكتب العلمية. چاپ چهارم.
- صدرالدين شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۶۱ش): «تفسیر القرآن الکریم»، تصحیح محمد خواجهوی، قم: انتشارات بیدار، چاپ دوم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش): «المیزان فی تفسیر القرآن»، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم-دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- طبرانی، سلیمانبن احمد (۲۰۰۸م): «التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم»، اردب: دار الكتاب الثقافی.
- طبرسی، فضلبن حسن (۱۳۷۲ش): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی، تهران: انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم.
- _____ (۱۴۱۲ق): «جوامع الجامع»، تصحیح ابوالقاسم گرجی، قم: حوزه علمیه قم.
- طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ق): «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، بيروت: دار المعرفه.
- طریحی، فخرالدين بن محمد (۱۳۷۵ش): «مجمع البحرين»، تحقیق احمد حسینی اشکوری، تهران: نشر مرتضوی، چاپ سوم.
- طنطاوی، محمدسید (۱۹۹۷م): «التفسیر الوسیط للقرآن الکریم»، قاهره: نهضة مصر.
- طوسی، محمدبن حسن (بی تا): «التبیان فی تفسیر القرآن»، تصحیح احمدحبيب عاملی، بيروت: دار إحياء التراث العربی.
- عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰ش): «تفسیر عاملی»، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: کتاب فروشی صدوق.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰م): «الفروق فی اللغة»، بيروت: دارالافتاح الجدیدة.
- فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق): «التفسیر الکبیر: مفاتیح الغیب»، بيروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم.
- فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق): «من وحی القرآن»، بيروت: دار الملائک.
- فیض کاشانی، محمدبن مرتضی (۱۴۱۵ق): «تفسیر الصافی»، تصحیح حسین اعلمی، تهران: مكتبة الصدر، چاپ دوم.
- قاسمی، جمالالدين (۱۴۱۸ق): «محاسن التاویل»، تحقیق محمد باسل عیون سعود. بيروت: دار الكتب العلمية.

- قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۲۰۰۰م): «لطائف الإشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم»، تحقیق ابراهیم بیسونی، قاهره: الهيئة المصریة العامة للکتاب، چاپ سوم.
- قطب، سید (۱۳۶۷ش): «آفرینش هنری در قرآن»، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: بنیاد قرآن. چاپ دوم.
- _____ (۱۴۲۵ق): «فی ظلال القرآن»، بیروت: دار الشروق، چاپ سی و پنجم.
- قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا (۱۳۶۸ش): «کنز الدقائق و بحر الغرائب»، تحقیق حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قونوی، اسماعیل بن محمد (۱۴۲۲ق): «حاشیه قونوی علی تفسیر البیضاوی و معه حاشیه ابن التمجید»، تصحیح عبدالله محمود عمر، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (۱۴۱۰ق): «زبدۃ التفاسیر»، تحقیق بنیاد معارف اسلامی، قم: مؤسسه معارفه الاسلامیة.
- کاشفی، حسین بن علی (بی تا): «تفسیر حسینی به اهتمام احمدبن ابراهیم شاه ولی الله»، سراوان: کتاب‌فروشی نور.
- مراغی، احمد مصطفی (بی تا): «تفسیر المراغی»، بیروت: دار الفکر.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق): «تفسیر مقاتل بن سلیمان»، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۱ش): «تفسیر نمونه»، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم.
- موسوی سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۰۹ق): «مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن»، بی جا: انتشارات دفتر آیت الله سبزواری، چاپ دوم.
- میبدی، احمدبن محمد (۱۳۷۱ش): «کشف الاسرار و عدة الابرار»، نگارش عبدالله بن محمد انصاری، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.
- میر، مستنصر (۱۳۸۷ش): «ادبیات قرآن»، ترجمه محمدحسن محمدی مفر، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- نحاس، احمدبن محمد (۱۴۲۱ق): «إعراب القرآن»، حاشیه عبدالمنعم خلیل ابراهیم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- نظام الاعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق): «تفسیر غریب القرآن و رغائب الفرقان»، تحقیق زکریا عمیرات، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- نووی، محمد (۱۴۱۷ق): «مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید»، تصحیح محمدامین ضناوی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- نهاوندی، محمد (۱۳۸۶ش): «نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن»، قم: مؤسسه البعثة.

Bibliography

The Holy Quran (translated by Mohammad Mehdi Fouladvand)

- Irrigation, Ibrahim, (1405 AH). The Qur'anic encyclopedia. Cairo: Sajal Al Arab Foundation.
- Alousi, Mahmoud bin Abdullah (1415 AH). Ruh Al-Ma'ani in Tafsir Al-Qur'an Al-Azeem and Al-Saba Al-Mathani, research by Ali Abdulbari Atiyeh. Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya.
- Ibn Abi Jame, Ali Ibn Hossein (1413 AH). Al-Awjiz fi Tafsir al-Qur'an al-Aziz. Malik Mahmoudi's research. Qom: Dar Al-Qur'an Al-Karim.
- Ibn Abi Hatim, Abd al-Rahman ibn Muhammad (1419 AH). Commentary on the Great Qur'an by Muhammad Tayyib. Riyadh: Nizar Mustafa Elbaz School, third edition.
- Ibn Jazi, Muhammad Ibn Ahmad (1416 AH). Al-Tashil Uloom al-Tanzil, Abdullah Khalidi's research. Beirut: Dar al-Arqam bin Abi al-Arqam Company.
- Ibn Juzi, Abd al-Rahman bin Ali (1422 AH). Zad al-Masir in the science of tafsir, a research by Abdul Razzaq Mahdi. Beirut: Dar Al Kitab Al Arabi.
- Ibn Hamoush, Mecca (1423 AH). The problem of Arabicization of the Qur'an, corrected by Yasin Mohammad Sovas. Beirut: Dar Al-Imamah, third edition.
- Ibn Shahr Ashub, Muhammad bin Ali (1369). It is similar to the Qur'an and different. Qom: Bidar Publications.
- Ibn Ashur, Muhammad Tahir (1420 AH). Tafsir Tahrir and Al-Tanwar. Beirut: Al-Tarikh Al-Arabi Foundation.
- Ibn Aghiba, Ahmad (1419 AH). Al-Bahr Al-Madid in Tafsir al-Qur'an al-Majid. Research by Ahmad Abdullah Qureshi Raslan, Cairo: Hassan Abbas Zaki Publications.
- Ibn Atiyah, Abdul Haq bin Ghalib. (1422 AH). Muhrar al-Awaziz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz. Research by Abdul Salam Abdul Shafi Mohammad. Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya.
- Ibn Kathir, Ismael Ibn Umar (1419 AH) al-Tafsir al-Qur'an al-Azeem. The research of Mohammad Hossein Shamsuddin. Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya.
- Abu al-Saud, Muhammad bin Muhammad (1483 AD). Irshad al-Aql al-Salim to Mazaya al-Qur'an al-Karim, Beirut: Dar Rehya al-Trath al-Arabi.
- Abulfatuh Razi, Hossein bin Ali (1408 AH). Ruz al-Jannan and Ruh al-Jannan. Edited by Mohammad Mahdi Naseh - Mohammad Jaafar Yahaghi. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Ashkuri, Muhammad bin Ali (1373). Commentary of Sharif Lahiji. Corrected by Jalaluddin Muhaddith. Tehran: Dob Eshar Dad.
- Amin, Nusrat Begum (Beta). Tafsir of Makhzan al-Irfan in the sciences of the Qur'an. Bija: Without
- Baghvi, Hossein bin Masoud (1420 AH). Maalam al-Tanzil Edited by Abdul Razzaq Mahdi. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
- Balaghi, Abdul Hajja, (1386). Hajjah al-Tafaseer and Balagh al-Aksir, Qom: Hekmat Publications.



سال هفتم
شماره اول
پیاپی: ۱۲
بهار و تابستان
۱۴۰۲

- Beidawi, Abdullah bin Omar (1418 AH). Anwar al-Tanzil and Asrar al-Taawil. The numbers of Mohammad Abd al-Rahman Marashli. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
- Paktachi, Ahmed (2012). A collection of lectures on the history of interpretation of the Holy Quran. Arranged and edited by Mohammad Janipour. Tehran: Imam Sadegh Publishing House.
- Pani Patti, Sanaullah (1412 AH). Tafsir al-Ahnathani. Quetta: Rushdie school.
- Thaalabi, Abd al-Rahman bin Muhammad (1418 AH). Jawaharlal Hassan fi Tafsir al-Qur'an. Research by Adel Ahmad Abdulmojood. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
- Thaghafi Tehrani, Mohammad (2018). Rawan Javid in the interpretation of the Holy Quran. Tehran: Burhan Publications. second edition.
- Thalai, Yusuf bin Ahmad, (1423 AH). Tafsir al-Umtar al-Iyanah and clear ahkam al-Qata'ah. Samadah: Islamic Heritage School.
- Jurjani, Hossein bin Hassan (1378). Jalal al-Azhan and Jalal Al-Ahzan, edited by Jalaluddin Muhaddith. Tehran: Tehran University Press.
- Jurjani, Abdul Qahir bin Abdul Rahman (1430 AH). Insert Al-Darr in Tafsir al-Qur'an al-Azeem. Talaat Salah Farhat's research. Beirut: Dar al-Fakr.
- Jazayeri, Nematullah bin Abdullah (1388). Al-Murjan contracts in Tafsir al-Qur'an. Research of Zahi Cultural Institute. Qom: Noor Vahi Publications.
- Jamal, Suleiman bin Omar (1427 AH). Al-Futuhat al-Ilahiyyah, with the explanation of Tafsir Al-Jalalin Lal-Daqayq Al-Khafiyah, edited by Ibrahim Shamsuddin, Beirut: Dar Al-Katb Al-Alamiya.
- Javadi Amoli, Abdullah (2014). Tafsir Tasnim C19. Qom: Isra Publishing Center.
- Haeri Tehrani, Ali (1338). Al-Darar Collections, Tehran: Dar Al-Kitab al-Islamiyyah.
- Hijazi, Mohammad Mahmoud (1413 AH). clear interpretation Beirut: Dar Al Jail. to print
- Hosni Vaez, Mahmoud bin Mohammad (1381). Minutes of Altawil and download facts. Joya Jahanbakhsh research. Tehran: Written Heritage Research Center.
- Hosseini Hamdani, Muhammad (1404 AH). Bright lights in the interpretation of the Qur'an. Research by Mohammad Baqer Behbodi. Tehran: Lotfi Publications.
- You are right. Ismail bin Mustafa (Bita). Tafsir of Ruh al-Bayan. Beirut: Dar al-Fakr.
- Hawi, Said (1424 AH). Al-Asas fi al-Tafseer. Cairo: Dar es Salaam. Sixth edition.
- Khazan, Ali bin Muhammad (1415 AH). Labab al-Tawil in the meanings of al-Tanzil. Edited by Abdul Salam Hamad Ali Shahin. Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya.
- Khorramdel, Mustafa (1384). Interpretation of light. Tehran: Ehsan Publications, 4th edition.
- Khosravani, Alireza, (2011) Tafsir Khosravi. Mohammad Baqer Behboodi's research, Tehran, Islamia bookstore.
- Khatib Sharbini, Muhammad bin Ahmad (1425 AH) Al-Sarraj al-Munir. Ebrahim Shamsuddin's research. Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya.
- Khafaji, Ahmad bin Muhammad (1417 AH) Anaya al-Qazi and Kefaya al-Razi on

سال هفتم

شماره اول

پیاپی: ۱۲

بهار و تابستان

۱۴۰۲

- Tafsir al-Baydawi. Abdul Razzaq Mehdi's research. Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya.
- Khalafullah Mohammad, Ahmad and Mohammad Zaghoul Salam (1976 AD). Three messages in the miracle of the Qur'an. Cairo. encyclopedia Cairo: Third edition.
 - Dara, Muhammad Ali Taha (1430 AH). Tafsir al-Qur'an al-Karimo is Arabic and Bayaneh. Beirut: Dar Ibn Kathir.
 - Dipin, Andrew (2012). Approaches to the history of interpretation of the Qur'an. Translation. Efforts and editing by Mehrdad Abbasi. Tehran: Hekmat Publications.
 - Dinouri, Abdullah bin Muhammad (1424 AH). It is clear in the interpretation of the Holy Qur'an. Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya.
 - Deobandi, Mahmoud Hassan (1385). Cable commentary. Tehran: Ehsan Publications. 11th edition
 - Ragheb Esfahani. Hossein bin Muhammad (Beta). Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an. Mohammad Seyed Gilani's research. Tehran: Al-Muktaba al-Mortazawieh.
 - Reza, Mohammad Rashid (1414 AH). Tafsir al-Qur'an al-Hakim. Beirut: Dar al-Marafa.
 - Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, (1387). Interpretation of the Koran Mehr. Qom: Researches on Qur'anic Interpretation and Sciences.
 - Zubeidi, Muhammad bin Muhammad (Beita). Taj al-Arus, my jewel of al-Qamoos. Research: a collection of researchers. Volume 11, no place: Dar Al-Hadaiya.
 - Zaheili, Wahba (1411 AH). Al-Tafseer Al-Munir Fi Aqeedah, Al-Sharia, and Al-Manhaj, Damascus: Dar al-Fikr. second edition.
 - Zamakhshari, Mahmoud bin Omar (1407 AH). Al-Kashaf on the facts of Gawamaz al-Tanzil and Ayun al-Aghawil in the ways of al-Tawail, research by Mustafa Hossein Ahmad. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, third edition.
 - Sabzevari, Mohammad, (1419 AH). Guidance of the mind to interpretation of the Qur'an. Beirut: Dar al-Taqqin Lalmahabat.
 - Saadi, Abdur Rahman (1408 AH). Taysir al-Karim al-Rahman fi Tafsir al-Kalam Manan. Beirut: Al-Nahda Al-Arabiya School. second edition.
 - Samarkandi, Nasr bin Muhammad (1416 AH). Bahrul Uloom Omar Amroi's research. Beirut: Dar al-Fakr.
 - Sivasi, Ahmad bin Mahmud, (1427 AH). Ayun al-Tafaseer of the research of Bahaud-din Dartma. Beirut: Dar Sader.
 - Siyuti, Jalaluddin Abi Bakr, (1404 AH). Al-Dar al-Manthur fi al-Tafsir Bamathur. Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library.
 - Shah Abd al-Azimi, Hossein (1363). Tafsir Asni Ashari. Tehran: Miqat Publications.
 - Shabar, Abdullah (1407 AH). Al-Jawhar Al-Thamin fi Tafsir al-Kitab al-Mubin. Kuwait: Al-Maktaba Al-Alfin Company.
 - Shahate, Abdullah Mahmud (1421 AH). Tafsir of the Holy Qur'an. Cairo. Dar Gharib
 - Shaarawi, Mohammad Mutoli (1991 AD). Tafsir al-Shaarawi. Beirut: Elium News.
 - Shaltut, Mahmoud (1377). Siri in the Holy Quran. Translated by Seyyed Hasan Sidi. Mashhad: Astan Quds Razavi.



سال هفتم
شماره اول
پیاپی: ۱۲
بهار و تابستان
۱۴۰۲

- Sheikh Alwan, Naamatullah bin Mahmud (1999 AD). Al-Fawath Al-Ilahiyyah and Al-Mufatih Al-Ghaibiyyah: Al-Mudazah for the Qur'anic Word and Al-Hukm Al-Furqaniyyah. Cairo: Dar Rakabi LlanShar.
- Sheikhzadeh, Muhammad bin Mustafa (1419 AH). Margin of Mohiuddin Sheikhzadeh Ali Tafsir al-Qazi al-Baydawi. Edited by Mohammad Abdul Qadir Shahin. Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya.
- Sadeghi Tehrani, Mohammad (1388). Farqan translator: brief interpretation of the Holy Quran. Qom: Shokarane Publications.
- Sawi, Ahmad bin Muhammad (1427 AH). Margin of Al-Sawi Ali Tafsir al-Jalalin. Edited by Mohammad Abdus Salam Shahin. Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya. fourth edition.
- Sadr al-Din Shirazi, Muhammad bin Ibrahim (1361). Tafsir al-Qur'an al-Karim. Edited by Muhammad Khajawi. Qom: Bidar Publications. second edition.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein (1374). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Translated by Mohammad Bagher Mousavi. Qom: Qom Seminary Teachers Association-Islamic Publications Office. Fifth Edition.
- Tabarani, Suleiman bin Ahmad (2008). Al-Tafseer al-Kabeer: Tafsir al-Qur'an al-Azeem. Irbid: Dar al-Kitab al-Thaqafi.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan (1372). Edited by Fazlollah Yazdi Tabatabaei. Tehran: Nasser Khosro Publications. Third edition.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1412 AH). Corrected by Abulqasem Georgian. Qom: Qom Seminary.
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1412). Beirut: Dar al-Marafa.
- Tarihi, Fakhreddin bin Muhammad (1375). Al-Bahrin Assembly. C3. Ahmad Hosseini Ashkuri's research. Tehran: Mortazavi Publishing. Third edition.
- Tantawi, Mohammad Seyed (1997). Al-Tafsir al-Wasit for the Holy Qur'an. Cairo: Nahda Misr.
- Tusi, Muhammad bin Hasan (Bitā). Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an. Edited by Ahmad Habib Ameli. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
- Aamili, Ebrahim (1360). Tafsir Aamili. Edited by Ali Akbar Ghaffari. Tehran: Sadouq bookstore.
- Askari, Hassan bin Abdullah (1400). Differences in language. Beirut: Dar al-Afaq al-Jadidah.
- Fakh Razi, Muhammad bin Omar (1420 AH). Al-Tafsir al-Kabir: Mufatih al-Ghaib. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi. Third edition.
- Fazlullah, Muhammad Hossein (1419 AH). Man Wahi Al-Qur'an. Beirut: Dar Al Malak.
- Faiz Kashani, Muhammad bin Mortaza (1415 AH). Tafseer al-Safi. Corrected by Hossein Alami. Tehran: Sadr School. second edition.
- Ghasemi, Jamal al-Din (1418 AH). Merits of Altawil. Research by Mohammad Bassel Ayoun Saud. Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya.
- Qashiri, Abdul Karim bin Hawazen (2000 AD). Lataif al-Isharat: Complete Sufi in-

سال هفتم

شماره اول

پیاپی: ۱۲

بهار و تابستان

۱۴۰۲

- terpretation of the Holy Qur'an. Ebrahim Bisoni's research. Cairo: Al-Masriyyah El-Masriyyah Al-Laktab, third edition.
- Qutb, Seyyed (1367). Artistic creation in the Quran. Translated by Mohammad Mehdi Foulavand. Tehran: Quran Foundation. second edition.
 - Qutb, Seyyed (1425 AH). In the shadows of the Qur'an. Beirut: Dar al-Sharouq, 35th edition.
 - Qomi Mashhadi, Mohammad bin Mohammad Reza (1368). Kenz al-Daqaq and Bahr al-Gharaeb. Hossein Dargahi's research. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
 - Qonavi, Ismail ibn Muhammad (1422 AH). Qonavi's margin of Ali Tafsir al-Baydawi and Ibn al-Tamjid's margin. Corrected by Abdullah Mahmoud Omar. Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya.
 - Kashani, Fathullah bin Shukrullah (1410 AH). Zubdah al-Tafaseer. Islamic Education Foundation research. Qom: Islamic Education Foundation.
 - Kashfi, Hossein bin Ali (Beta). Tafseer Hosseini. By the efforts of Ahmad Ibn Ibrahim Shah Valiullah. Saravan: Noor bookstore.
 - Maraghi, Ahmad Mustafa (Beta). Tafsir al-Maraghi. Beirut: Dar al-Fakr.
 - Muqatil ibn Suleiman (1423 AH). Tafsir of Muqatil ibn Suleiman. Abdullah Mahmoud Shahate's research. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
 - Makarem Shirazi, Nasser and a group of writers (1371). Sample commentary. Tehran: Dar al-Katb al-Islamiyeh. to print
 - Mousavi Sabzevari, AbdulAli (1409 A.H.). The graces of Rahman in Tafsir al-Qur'an. Bija: Publications of Ayatollah Sabzevari's office. second edition.
 - Meybodi, Ahmed bin Muhammad (1371). Discovery of secrets and many books. Written by Abdullah bin Muhammad Ansari. Tehran: Amir Kabir Publications. Fifth edition.
 - Mir, Mostanser (1387). Qur'anic literature. Translated by Mohammad Hasan Mohammadi Mafar. Qom: Publications of the University of Religions and Religions.
 - Nahas, Ahmed bin Muhammad (1421 AH). Arabization of the Qur'an. Margin Abdul Moneim Khalil Ebrahim. Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya.
 - Nizam al-Araj, Hassan ibn Muhammad (1416 AH). Tafsir Gharib al-Qur'an and Raghayb al-Furqan. Zakaria Amirat's research. Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya.
 - Nawi, Muhammad (1417 AH). Merah Labid Lakshef meaning of Al-Qur'an al-Majid. Edited by Mohammad Amin Zanawi. Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya.
 - Nahavandi, Muhammad (1386). Nafhat al-Rahman fi Tafsir al-Qur'an. Qom: Al-Baath Institute.



سال هفتم
شماره اول
پیاپی: ۱۲
بهار و تابستان
۱۴۰۲